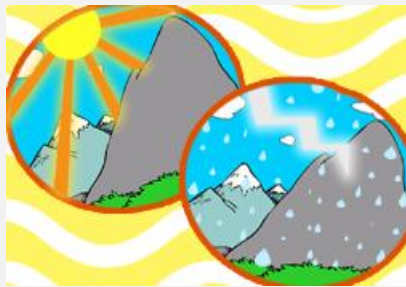


## باران به جای خود، آفتاب به جای خود

حتماً تو هم زیاد شنیده ای که می گویند: «خدا حکیم است». معنی این جمله آن است که همه ی کارهای خدا روی حساب و کتاب است.



حتماً تو هم زیاد شنیده ای که می گویند: «خدا حکیم است». معنی این جمله آن است که همه ی کارهای خدا روی حساب و کتاب است. یعنی همه ی کارهای خدا دلیل دارد. شاید ما دلیل بعضی از کارهای خدا را ندانیم، ولی حتی همان کارها هم بی دلیل نیست. اگر خدا گاهی باران می فرستد و گاهی نمی فرستد، اگر گاهی هوا را سرد می کند و گاهی گرم می کند، همه دلیل دارد.

اشکالی ندارد که ما دعا کنیم خدا باران بفرستد یا هوا را کمی گرم یا سرد کند؛ اما هیچ وقت نباید به خدا اعتراض کنیم؛ زیرا دانش ما کم است و از خیلی چیزها بی خبریم.

سال ها قبل، پیرمردی بود که یکی از دخترهایش را به ازدواج یک کشاورز در آورده بود و دختر دیگرش را هم به یک کوزه گر داده بود. روزی تصمیم گرفت به دیدن دخترهایش برود. اول به دیدن آن دختری رفت که شوهرش کشاورز بود. از او پرسید: «دخترم! حالت چه طور است؟ آیا کارو بار شوهرت رو به راه است؟»

دختر گفت: «خدا را شکر. اما کاش کمی باران بیش تر می بارید و کشاورزی شوهرم، رونق بیشتری می گرفت.»

سپس پیرمرد، نزد آن یکی دخترش رفت که شوهرش کوزه گر بود. از او پرسید: «دخترم! حالت چه طور است؟ آیا کار و کاسبی شوهرت رونق دارد؟»

دختر گفت: «الحمدالله، خدا را شکر؛ ولی ای کاش مدتی باران نمی بارید و شوهرم می توانست تعداد بیش تری کوزه بسازد و زیر نور آفتاب خشک کند.»

پیرمرد با خودش گفت: «عجب حکایتی است. آن دخترم می گوید خدا کند باران بیش تر بیارد و این یکی می گوید خدا کند کمتر بیارد.»

بعد دست هایش را به طرف آسمان بالا برد و این طور دعا کرد: «خدایا! تو خودت بهتر می دانی که به بندگان چگونه روزی بدهی. زندگی این دو دختر مرا هم هر طور خودت صلاح می دانی اداره کن و به لطف، آن ها را خوشبخت کن.»